



جواد خرمی

محبت دیگران به او بدانند؛ چنان که نسبت به عالمان و نخبگان علمی این گونه ابراز محبتها دیده می‌شود. و یا قدرت ایمان و معنویت و وصل به معدن عظمت الهی را علت اصلی محبتها و محبوبیتها بشمارند که البته در فرهنگ دین مخصوصاً قرآن بر این نظریه تأکید شده است؛ اما ما شیعیان: دلبری داریم که از صاحب‌دلان دل می‌برد غمزه‌ای مشکل‌گشا دارد که مشکل می‌برد گر نقاب از چهره گیرد آن نگار نازنین بر تو رخساره‌اش دلهای مایل می‌برد

امروزه بحثی مطرح است و آن این است که راز محبوب شدن فرد در یک جامعه چیست؟ ممکن است در این باره نظریات گوناگونی مطرح شود که برخی زیبایی و جمال را راز محبوبیت فرد بدانند، گروهی قدرت و توان جسمی را نشانه محبوبیت شخص در جامعه، همچون قهرمانان بدانند، دسته‌ای دیگر احسان و مهربانی و گذشت و عطوفت را ریشه محبوبیت فرد قلمداد نمایند و قومی نیز کمال علمی انسان را باعث جلب

در باره چهره آن حضرت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي وَجْهَهُ كَالْقَمَرِ الدُّرِّيِّ اللَّوْنُ لَوْنٌ عَرَبِيٌّ»^۲ مهدی از نسل من است. سیمایش چون ماه تابان و رنگش عربی (گندم‌گون) است.»

و امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «حَسَنُ النَّوَجِ حَسَنُ الشَّعْرِ يَسِيلُ شَعْرُهُ عَلَيَّ مِنْ كَبِيهِ وَنُورٌ وَجْهَهُ يَغْلُو سَوَادَ لِحْيَتِهِ»^۳ زیبا چهره و زیبا موی است و موی او بر شانه‌هایش فرو ریخته و درخشندگی چهره‌اش بر سیاهی محاسنش غلبه می‌کند.»

۲. خال زیبای صورت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَكْحَلُ الْعَيْنَيْنِ كَثُ اللَّحْيَةِ عَلَيَّ حَذِيهِ النَّائِمِ خَالٌ»^۴

۱. روزگار رهایی، کامل سلیمان، ترجمه علی اکبر مهدی‌پور، نشر آفاق، چاپ سوم، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۲۲؛ منتخب الاثر، صافی گلپایگانی، ص ۱۴۷؛ منابع الموده، ج ۳، ص ۱۶۴؛ ر.ک: مکیال المکارم، محمد تقی موسوی اصفهانی، مؤسسه الامام المهدی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۶۷.
۲. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۲۱؛ منتخب الاثر، ص ۱۸۵؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۵۹؛ مکیال المکارم، ص ۶۷.
۳. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دار احیاء التراث، ج ۵۱، ص ۳۶؛ روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۲۳.
۴. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۲۲؛ منتخب الاثر،

و امامی داریم که هم جمال دارد و هم کمال، هم صورت زیبا و نورانی دارد و هم سیرت پر بار و نورانی، هم دست خدمت و مهربانی بر خلق دارد و هم ایمان عمیق و سرشار از معنویت به سر منشأ معدن عظمت، خدای جلیل و جمیل.

آنچه پیش رو دارید، نگاهی است به گوشه‌هایی از زیباییهای ظاهری حضرت مهدی علیه السلام.

در چمن جمع جمال و کمال

حضرت مهدی ندارد مثال

۱. زیباروی نورانی

مهدی صاحب الزمان علیه السلام از معدود انسانهایی است که از نهایت زیبایی صورت و اندام برخوردار است، تا آنجا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در باره او فرمود: «الْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَيْهِ جَلَائِبُ الثُّورِ»^۱ مهدی طاووس اهل بهشت است که جامه‌هایی از نور او را در بر گرفته است.»

ای به دلها درد عشقت، جاودانه، جاودانه می‌کشم بار غمت را عاشقانه، عاشقانه ای که طاووس بهشتی جلوه‌ای کن جلوه‌ای کن تا به کی ای مرغ قدسی جای تو در آشیانه

الْعَنْبِرُ؛^۲ دراز قامت متکبر و کوتاه قامت چسبیده [به زمین کوتوله] نیست، بلکه میان قامت است، سیمایی گرد، سینه‌ای فراخ، پیشانی‌ای باز و ابروانی به هم رسیده دارد و خالی بر گونه راست اوست چون دانهٔ مشک که بر قطعه عنبر ساییده شده است.»

۴. چهره جوان و تغییر ناپذیر

از نشانه‌های دیگری که باعث زیبایی چهرهٔ آن حضرت شده است، این است که بعد از قرن‌ها به سر بردن در غیبت کبری، هنگامی که ظهور می‌کند، به صورت جوانی است که سیمای جوانی از آن نمایان است و گذشت زمان آن اندام زیبا را پیر و فرسوده نکرده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّهُ مِنْ أَعْظَمِ الْبَيْتَةِ أَنْ يَخْرُجَ إِلَيْهِمْ صَاحِبُهُمْ شَابًا وَ هُمْ

دیدگان مبارکش سر مه کشیده، محاسن مبارکش پر مو و بر گونهٔ راست او یک خال است.»

و علی علیه السلام فرمود: «مهدی دیدگانی مشککی، موهایی پر پشت، چهره‌ای چون ماه تابان، پیشانی باز و درخشان، خالی [بر گونه راست] و نشانی [چون مهر نبوت در میان دو کتف] دارد.»^۱

خال زیبای جمال دلربایت را بنام بوی عطر جانفزای خاک پایت را بنام ای صفای هر مصفا مهدی زیبای زهرا از صفای قلب می‌گویم صفایت را بنام من گدایم من گدایم بر گدایان در تو عزت و جاه و جلال هر گدایت را بنام

۳. قامت موزون

علامت دیگر برای زیبایی یک فرد، اندام موزون و قد و قامت متناسب اوست که حضرت مهدی علیه السلام از این نعمت نیز برخوردار است.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «لَيْسَ بِالطَّوِيلِ الشَّامِخِ وَلَا بِالْقَصِيرِ اللَّازِقِ بَلْ مَرْبُوعِ الْقَامَةِ مَدَوَّرِ الْهَامَةِ وَاسِعِ الصَّدْرِ صَلْتُ الْجَبِينِ مَقْرُونُ الْحَاجِبِينَ عَلَى خَدِّهِ الْيَأْمَنِ خَالَ كَأَنَّهُ قُتَاتُ الْمِسْكِ عَلَى رَضْرَاضَةٍ

ص ۱۶۶

۱. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۲۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۵۱؛ منتخب الاثر، ص ۱۸۶.
۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳ و ۱۹، روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۲۸.

۵. قدرت بدنی وصف ناپذیر

یک رهبر جهانی علاوه بر اندام متناسب و زیبا باید که از قدرت بدنی متناسب نیز برخوردار باشد. حضرت مهدی علیه السلام را هم وراثت یاری می‌کند که دارای بدن و قدرت حیدرگونه می‌باشد و هم دست قدرت و عنایت الهی پشت سر او است و به او توان تصرف تکوینی در موجودات را داده است. در این باره امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ الْقَائِمَ إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّبُوحِ وَمَنْظَرِ الشَّبَابِ قَوِيًّا فِي بَدَنِهِ لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَكْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا وَلَوْ صَاحَ بِالْجِبَالِ تَدَكَّدَكَتْ صُخُورُهَا لَا يَضَعُ يَدَهُ عَلَى عَسَبٍ إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ كَرْتِيرٍ الْحَدِيدِ»^۵

۱. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۲۶؛ منتخب الاثر، ص ۲۵۸.
۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۷؛ روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۲۶؛ منتخب الاثر، ص ۲۸۵.
۳. محقق اصفهانی (کمپانی).
۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵ و ۳۲۲؛ روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۲۹.
۵. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۲۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲؛ منتخب الاثر، ص ۲۲۱.

يَحْسِبُونَ شَيْخًا كَبِيرًا؛^۱ از امتحانات بزرگ [خداوندی] است که صاحبشان به صورت جوانی ظاهر می‌شود، در حالی که آنها او را پیری کهنسال تصور می‌کنند.» و در حدیث دیگر فرمود: «در صاحب الزمان نشانی از حضرت یونس هست و آن اینکه بعد از غیبتش، به صورت جوانی ظاهر می‌شود.»^۲

یوسف کنعان عشق بنده رخسار اوست
خضر بیابان عشق تشنه گفتار اوست
موسی عمران عشق طالب دیدار اوست

کیست سلیمان عشق بر در او یک فقیر^۳
و امام هشتم علیه السلام فرمود: «عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السِّنِّ شَابَ الْمَنْظَرِ حَتَّى إِنَّ النَّاطِرَ إِلَيْهِ لَيَحْسِبُهُ ابْنَ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْ دُونَهَا وَإِنَّ مِنْ عَلَامَتِهِ أَنْ لَا يَهْرَمَ بِمُرُورِ الْأَيَّامِ وَاللَّيَالِي عَلَيْهِ حَتَّى يَأْتِيَ أَجَلُهُ»^۴ از نشانه‌های او سیمای جوانی او در سن کهولت است که هر کس او را ببیند، او را چهل ساله یا کمتر تصور می‌کند و از نشانه‌های او این است که با گذشت روزها و شبها پیر نشود تا اجلش فرارسد.»

النَّبِيِّ ﷺ؛^۲ در پشت او دو خال [و دو علامت] است که یکی به رنگ پوستش و دیگری شبیه خال [و مهر] پیامبر ﷺ است.»

و امام باقر علیه السلام فرمود: «بِالْقَائِمِ عَلَامَاتٌ ... شَامَةٌ تَحْتَ كِتْفِهِ الْأَيْسَرِ، تَحْتَ كِتْفَيْهِ وَرَقَةٌ مِثْلُ الْأَسِّ؛^۳ در وجود قائم علامتهایی هست ... خالی [شبیه مهر نبوت] زیر شانه چپش می باشد و زیر هر دو شانه اش برگی مثل برگ آس است.»

۷. بوی خوش

از نشانه های دیگر آن حضرت، بوی عطر جانفزایی است که از آن وجود نازنین به مشام می رسد؛ همان گونه که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله استشمام می شد و در حدیث معروف، نقل شده: وقتی امام حسن و امام حسین و امیر مؤمنان علیهم السلام به ترتیب وارد شدند، بوی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را متوجه شدند.

۱. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۲۳.

۲. همان، ص ۱۲۴؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۵؛

مکیال المکارم، ص ۶۷.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۱؛ روزگار رهایی،

ج ۱، ص ۱۲۶.

قائم علیه السلام هنگامی که ظهور می کند، در سن کهولت خواهد بود، ولی با سیمای جوانی و نیروی بدنی قوی که اگر دستش را به سوی قوی ترین درخت روی زمین بکشد، از ریشه بر می کند و اگر بر کوهها بانگ بزند، سنگهایش فرو ریزد. دستش را بر هیچ بنده ای نمی گذارد، جز آنکه قلبش چون قطعه آهن محکم و استوار می گردد.»

از این روایت، ولایت تکوینی حضرت بر جهان هستی به خوبی نمودار می شود. در روایت دیگری علاوه بر قدرت تکوینی دست آن حضرت، به قدرت تکوینی نگاه و چشمانش نیز اشاره شده است. امیر مؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید: «يَوْمِي لِلطَّيْرِ فَيَسْقُطُ عَلَى يَدِهِ وَيَغْرُسُ قَضِيباً فِي الْأَرْضِ فَيَخْضِرُ وَيُورِقُ؛^۱ به مرغ نگاه [یا اشاره] می کند، به دست مبارکش می افتد. چوبی را در زمین می کارد، سبز می شود و برگ می آورد.»

۶. دو علامت دیگر

علی علیه السلام فرمود: «بِظَهْرِهِ شَامَتَانِ شَامَةٌ عَلَى لَوْنِ جِلْدِهِ وَ شَامَةٌ عَلَى شِبْهِ شَامَةِ

مهدی علیه السلام نیز وارث چنین کسی است.

امام رضا علیه السلام فرمود: «وَتَكُونُ رَايَحْتُهُ
أَطْيَبَ مِنْ رَايَحَةِ الْمِسْكِ؛^۱ بوی خوش او
از بوی خوش مشک معطرتر است.»

گر رخ گشاید رونق افزایش چمن را
ارزان کند اسپر و هم مشک ختن را
گل برگ رنگش ارغوان را سُخره دارد

بیچیده مویش نسترن و نسترن را
ابی نعیم محمد بن احمد انصاری

از کامل بن ابراهیم که از گروه مفوضه
بود، نقل می‌کند که می‌گوید: نزد امام
حسن عسکری علیه السلام رفتم و با خود
گفتم: وارد بهشت نمی‌شود، مگر کسی

که عقیده من را داشته و سخن من را
بگوید. بعد از سلام و برخی مسائل نزد

دَری نشستم که پرده بر آن آویخته بود،
«فَجَاءَتِ الرِّيحُ فَكَشَفَتْ طَرَفَهُ فَإِذَا أَنَا بِفَتَى
كَأَنَّهُ فَلَقَهُ قَمَرٍ مِنْ أُنْبَاءِ أَرْبَعِ سِنِينَ أَوْ مِثْلَهَا...»^۲

پس باد آمد و پرده را کنار زد، ناگهان
کودکی چهارساله یا شبیه آن همچون
پاره ماه دیدم.» سپس ادامه می‌دهد:

او گفت: ای کامل بن ابراهیم! از

این سخن او تنم لرزید و به من الهام
شد که بگویم: «لیبک یا سیدی؛ بلی ای

آقای من!» پس فرمود: آمده‌ای نزد
حجت خدا که از او پرسی: آیا جز کسی
که هم مسلک توست، بهشت می‌رود؟
عرض کردم: بلی قسم به خدا! پس
فرمود: در این صورت بهشتیان خیلی
اندک خواهند بود. قسم به خدا! حقی‌ها
داخل بهشت نمی‌شوند. عرض کردم: ای
آقای من! حقی‌ها کیستند؟ فرمود:
گروهی که [خیال می‌کنند] علی را
دوست می‌دارند و به حق او قسم یاد
می‌کنند، در حالی که حق و فضل و
برتری او را نمی‌دانند... سپس پرده
دوباره به حال خود برگشت؛ به گونه‌ای
که من قدرت کنار زدن آن را نداشتم.

امام حسن عسکری علیه السلام نگاهی
متبسمانه به من کرد، آن گاه فرمود: «چرا
نشسته‌ای در حالی که حجت خدا از
حاجت قلبی و درونی‌ات خبر داد و
فهماند که حجت بعد از من کیست!» پس
من بیرون آمدم و از آن روز به بعد او
(حضرت مهدی علیه السلام) را ندیدم.^۳

۱. بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۱۶.

۲. همان، ص ۳۳۶.

۳. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۶۸.